



۲۰۲۱/۱۲/۰۶



دوکتور م، عثمان تره کی

## عفو عمومی خائنین ملی: بخشایش از کیسه خلیفه!

طالبان در اولین فرصت پس از ورود فاتحانه به کابل عفو عمومی اعلام کردند. این اقدام جنبه های مثبت و منفی میتواند داشته باشد:

مثبت به این معنا که در صورت فقدان عفو عمومی ترس و وحشت ناشی از ظهور طالبان به حیث طرف غالب جنگ سراسر کشور را فرا میگرفت و این خود کنترل طالبان را بر اوضاع امنیتی با دشواری مواجه میکرد. منفی به این مفهوم که طالبان از راه جنگ حاکمیت را تصاحب کردند و مجال مراجعه به طرز العمل های معمول (لویه جرگه، انتخابات...) برای کسب نمایندگی از مردم را دریافت نکرده اند. بناً صلاحیت بخشایش خائنین و جنایت کاران را ندارند. حق الله و حق العبد به مردم تعلق دارد نه به فاتحین جنگ که بر حکومت غلبه یافته اند. ممکن طالبان مدعی شوند که جنگ فاتحانه به حمایت مردم علیه اشغالگران خارجی آنها را در موقعیت برحق اتخاذ تصمیم بزرگ عفو عمومی خائنین ملی و ناقضین حقوق بشر قرار داده است. این ادعا مبنای منطقی ندارد: جنگ به هیچ نیروی رزمنده حق ادعای نمایندگی از مردم را اعطا نمیکند. زیرا جنگ مظهر حالت عادی زندگی نیست. در گیر و دار جنگ عواطف و احساسات بر عقلانیت غلبه میکند. فقر، ترس، انتقام و تطمیع حاکم بر مناسبات اجتماعی مانع تبارز اراده آزاد انسانان میگردد. متورم ساختن مصنوعی صفوف جنگی تجسم گرد آوری آزاد و فارغ از فشار های جانبی جنگجویان نیست. بناً رزمندگانیکه از راه جنگ موفق به احراز قدرت سیاسی میشوند، الزاماً باید از طریق مراجعه به آرای مردم زور خود را به حق تبدیل کنند. این چیز نیست که به آن کسب مشروعیت میگویند.

طالبان در چنان موقعیت «حقوقی» نیستند که خائنین ملی و جنایت کاران را به بخشند. اما به قصد تأمین امنیت در موضع مناسب «سیاسی» برای عفو صرفاً بخش بزرگی از متهمین قرار دارند. این بخش شامل همه کسانیست که در نظام های گذشته پست های کلیدی تصمیم گیری و قوماندان را به عهده نداشتند. برخلاف، روسای دولت و حکومت، وزرا، منسوبین بلند پایه اورگان های امنیتی (امنیت ملی، قوای مسلح اعم از اردو و پولیس) باید شامل عفو عمومی نشوند و جواب خیانت ها و جنایت های خود را به مردم بدهند. به لیست اشخاص مورد تعقیب قضایی باید اعضای بوروی سیاسی و کمیته مرکزی دوره حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق را نیز شامل ساخت. تا رسیدن روز بازخواست باید تمام املاک منقول و غیر منقول این کته گوری اشخاص زیر اداره حکومت قرار بگیرد.

طالبان اولاً باید برای کسب مشروعیت و شناسایی بین المللی تلاش کنند. بعداً لیست کسانی را که شامل عفو میشوند اعلام نمایند. اعلام لیست متهمین فراری زمینه فعالیت سیاسی شانرا بکمک خارجی بر ضد نظامیکه مشروعیت یافته است، کاهش میدهد و راه استرداد متهمین فراری را توسط کشور های مقیم به افغانستان هموار مینماید. شرط مقدماتی برای استرداد مجرمین اینست که حکومت آینده که در افغانستان مشروعیت و اعتبار بین المللی دریافت خواهد کرد، در اولین فرصت معاهده استرداد مجرمین را با نمایندگی های سیاسی خارجی مقیم افغانستان امضا کند.

در افغانستان کشور های خارجی آتش چهل سال جنگ را بکمک فرزندان نا اهل افغانستان مشتعل نگاهداشته اند. در قبال کشتار میلیون ها انسان بیگناه، مهاجرت های کتلوی داخلی و خارجی، وجود میلیون ها معتاد، متلاشی ساختن بنیاد

های اجتماعی و حقوقی ای که استمرار زندگی یک جامعه را تضمین میکند، مسئولینی قرار دارند که با اعلام فرمان عفو عمومی نمیتوان از قصور شان چشم پوشید.

اعلام عفو عمومی طالبان بدون نشانه گیری هدمند مجرمین اصلی فاجعه چار دهه، سابقه بدی برای حکومتداری در افغانستان میگذارد. وقتی خاین و جنایتکار احساس ترس از قانون و مجازات نکند، ارتکاب جرم و جنایت به شیوه عادی زندگی بدل میشود. قانون و عدالت در عاشیه میلغزد. نهایتاً سیستم دفاعی جامعه به سختی صدمه میبیند.

افغانستان در مرحله حساس گزار از گدودی و بی مسئولیتی به مرحله استقرا حاکمیت قانون و مسئولیت پذیری قرار گرفته است. مسئولینی که اداره حکومتی را بدست دارند با هر اقدام دارای صبغه عمومی و ملی به نسل های آینده پیام حاوی درس عبرت میفرستند. عفو خائنین و جانپان به نسل های آینده این پیام را میرساند که در ملک بی صاحب افغانستان مرتکبین خیانت و جنایت به هیچ مرجعی جوابده نیستند. این به معنی درگیر شدن نسل بالنسل جامعه با امواج ویرانگر جرم و جنایت خواهد بود.

در طول چار دهه بی بازخواستی و بی مسئولیت ناشی از حضور زورگویانه قوای خارجی و نبود حاکمیت قانون، میکانیزم دفاع خودی جامعه افغانی به شدت صدمه دیده است. احیای این میکانیزم از طریق برخورد اصولی با فساد، خیانت و جنایت میتواند ضمانت داشتن یک جامعه سالم باشد که در آن قانون حرف اول را بزند.

واقعیت اینست که طالبان تا زمانیکه یک حاکمیت مشروع و متکی به رای مردم به وجود نیاورده اند، هیچ خائنی را از کیسه خلیفه بخشوده نمیتوانند. « پایان »

یاد داشت : نباید خیانت ملی و جرایم حقوق عامه با جرایم جنگی به اشتباه گرفته شود: خیانت ملی زیر پوشش قوانین داخلی قرار میگیرد. مرجع رسیدگی به آنرا قوانین اساسی و قوانین جزا تعیین میکنند.

جرایم جنگی در جریان جنگ با تخلف از قوانین جنگ به وقوع میپیوندند و به آن قوانین داخلی و بین المللی توجه مینمایند.



برای مطالب دیگر دوکتور م، عثمان تره کی روی عکس کلیک کنید